

# Shiraz-Beethoven.ir

## فهرست مطالب

۷ ..... سرمقاله

### مقاله‌ها



۱۱ ..... آهنگسازی، سنت و تشویق از تأثیرپذیری موسیقایی  
در موسیقی‌های آندلسی مراکش و سوریه  
جانان اچ. شُنن، ترجمه‌ی ناتالی چوبینه

۴۱ ..... نگاهی به چنگ از زاویه‌ی دید نگارگران ایرانی  
ضیاء میرعبدالباقی

۷۹ ..... سیر نفوذ موسیقی غربی به ایران در عصر قاجار  
سانا فاطمی

### مفاهیم بنیادین



۱۰۳ ..... مدیریت اضطراب در زمان اجرا  
فخریس لیمن، جان سلُنِدا و رابرت وودی  
ترجمه‌ی مهسا عرب

# Shiraz-Beethoven.ir

## گزارش



- ۱۲۷ ..... گفته‌هایی درباره‌ی ابوالحسن صبا  
آلن دانیلو و تران وان‌که
- ۱۳۱ ..... نگاهی به ساختار کمانچه‌های کریم‌خانی  
کیوان طاهری

## نقد و بررسی



- ۱۵۱ ..... جستجوی سربلندانه‌ی ماجرا  
فرآیندهای خلاقانه‌ی احمد پژمان در آفرینش و اجرای موسیقی  
با نگاه به عیاران و دیور تیمنتو  
محمدرضا فیاض
- ۱۷۵ ..... شناخت کالبد گوشه‌ها  
آروین صداقت‌کیش
- ۱۸۷ ..... صحبت از موسیقی: انکشاف‌هایی در زبان نقدِ موسیقی  
گرگری اریکسین، ترجمه‌ی لیلا رسولی
- ۲۰۳ ..... چکیده‌های (قوم) موسیقی‌شناسی  
سعید کردمافی
- ۲۰۹ ..... تا فصلی دیگر ...  
سیدمحمد موسوی

## تازه‌های ماهور



۲۱۳

## آهنگسازی، سنت و تشویش از تأثیرپذیری موسیقایی

در موسیقی‌های آندلسی سوریه و مراکش\*



### بخش نخست: مقدمه

سوریه و مراکش هر دو ادعای مالکیت مجموعه‌ای از سنت‌های غنی شعری و موسیقایی را دارند که امروزه زیر عنوان «موسیقی آندلسی» شناخته می‌شود و بخشی از پیشینه‌ی تاریخی آنها را به ایبری قرون وسطی در زمان حکومت مسلمانان (الآندلس) می‌رساند. به‌نظر موسیقیدانان سوریه، این مجموعه‌سنت‌های موسیقایی از بنیان عربی است، در گذر چندین قرن به جای جای مدیترانه سفر کرده، در طول مسیر از منابع گوناگونی تأثیر پذیرفته، تا سرانجام پس از سقوط غرناطه و بیرون‌راندن مسلمانان و یهودیان از ایبری به «وطن» خود در شامات (لوانت) بازگشته است. به‌نظر موسیقیدانان مراکش، سنت موسیقی آندلسی (الآله) حاصل همکاری‌های گسترده بین موسیقیدانان و شاعران دو سوی مدیترانه است و، به‌دنبال فروپاشی آندلس، این عمل‌های موسیقایی ریشه‌های محکمی در کرانه‌های شمال آفریقا دوآندند، جایی که تصور می‌رود اساساً تثبیت شده باشند، هرچند نسل پس از نسل اجزای گوناگونی از این میراث از دست رفته است. امروزه فرهنگ‌های موسیقایی‌ای که در سوریه و مراکش برجسب «آندلسی» گرفته‌اند، با وجود

\* Jonathan H. Shannon, "Composition, Tradition, and the Anxiety of Musical Influence in Syrian and Moroccan Andalusian Musics", Congrès des Musiques dans le monde de l'Islam, Assilah, 813- août 2007.

حسی از تاریخچه‌ی مشترک، تفاوت‌هایی چشمگیر در تنالیت، ریتم، متن آوازا و عمل اجرا با هم دارند.

مسئله‌ی آهنگسازی و ابداع در موسیقی آندلسی از جمله تفاوت‌های میان این دو بستر است که جالب‌ترین آنهاست و از همه کمتر به آن پرداخته شده است. از یک سو، در سوریه، آهنگسازی در گونه‌ای که بیشترین پیوند را با میراث آندلسی دارد، یعنی موشح، بخش حیاتی عمل موسیقایی معاصر باقی مانده است؛ موشح همچون فرم آهنگسازی زنده وجود دارد. از سوی دیگر، در مراکش، آهنگسازی در گونه‌های بزرگ سنت آله مناسب به حساب نمی‌آید؛ مثلاً موشح نه یک فرم آهنگسازی زنده، بلکه بخشی از یک میراث تثبیت‌شده‌ی موسیقایی محسوب می‌شود. در واقع، به نظر می‌رسد در خصوص آهنگسازی در سنت آله‌ی مراکشی تابویی وجود داشته باشد، اما در سنت سوریه چنین نیست.

چه چیز مایه‌ی این تفاوت رویکرد نسبت به مسئله‌ی آهنگسازی و ابداع در موسیقی‌های آندلسی سوریه و مراکش شده است؟ بررسی این دو مورد چه چیز درباره‌ی فرآیندهایی به ما می‌آموزد که کارگان‌ها و سنت‌های موسیقایی را شکل می‌دهند، انتقال می‌دهند و قابل درک و دریافت می‌سازند، یا درباره‌ی بسترهای اجتماعی و فرهنگی‌ای که آنها را برای اجراکنندگان و مخاطبان معاصر معنا می‌کند؟ من در این مطلب، با برداشت آزاد از نظریه‌ی هرلند بلوم در مورد تأثیرپذیری در شعر، تشویش از تأثیرپذیری ([1973] Bloom 1997)، به کندوکاو در پدیده‌ای می‌پردازم که اسمش را می‌گذارم «تشویش از تأثیرپذیری موسیقایی»، تا نشان دهم که سنت‌های موسیقایی چگونه شکل می‌گیرند و چگونه دو مفهوم سنت و میراث، هم خودشان و هم ارائه‌های گزینشی‌ای که از آنها شده، پرده از تنش‌های جاری بین هویت‌های جمعی، ملی و منطقه‌ای برمی‌دارند. مقوله‌ی تأثیرپذیری در دوران‌ها و گونه‌های مختلف پژوهش موسیقایی به‌عنوان یک دلمشغولی اصلی مطرح بوده است، اما این پنداشت که تأثیرها پنهانی نفوذ می‌کنند، انکار می‌شوند یا شکل‌های تشویش‌برانگیز به خود می‌گیرند در مباحث موسیقی‌شناسی جز کاوشی محدود به خود ندیده است (Straus 1991) و در قوم موسیقی‌شناسی و انسان‌شناسی موسیقی حتی در این حد نیز به آن توجه نشده و فقط مشت‌ی پژوهش درباره‌ی موسیقی جاز و سنت‌های موسیقی مردمی انجام گرفته است (نک. Berliner 1993; Murphy 1990).

من در این بررسی سعی دارم بفهمم مفاهیمی از قبیل سنت، ریشه و اصالت در دو بستر سوریه و مراکش چه پرتوهایی بر تولید فرهنگی در دو «پسامستمره» می‌افکنند (Mbembe 2001). تفاوت‌های نگرش به فرآیند خلاقیت در سوریه و مراکش از تفاوت در پرداختن به تاریخ فرهنگی و حافظه‌ی جمعی حکایت می‌کنند. تحلیل پویایی عمل موسیقایی در این دو مکان مسیری سازنده برای درک «فرهنگ‌های حافظه»‌ی پسااستعماری (Huyssen 2000) حوزه‌ی

## Shiraz-Beethoven.ir



### نگاهی به چنگ از زاویه‌ی دید نگارگران ایران

#### ۱ کلیات

#### ۱.۱ سازهای موسیقی و نگاره‌ها

بررسی بسیاری از آثار هنری قرون پیشین ایران نمایانگر انواع شکل‌ها و تصاویر گوناگون از سازهای موسیقی این سرزمین در دوران گذشته است. به عنوان مثال، چند مجسمه از قرن دوم میلادی در باختران یافت شده (During 2010: 113) که ساز چنگ زاویه‌ای را به خوبی نمایش می‌دهند. سازی که در طول ۱۵۰۰ سال مکرراً در نمونه‌های هنری ایران و کشورهای همجوار دیده شده است. در واقع می‌توان گفت که مجسمه‌سازان و نگارگران با نمایاندن مکرر رامشگران و سازهای موسیقی، خزانه‌ی پر ارزشی برای مورخین و محققین امروز به جای گذارده‌اند. گرچه رسالات نظری موسیقی‌شناسان قدیم ایرانی از قبیل فارابی، ابوعلی سینا، صفی‌الدین ارموی، عبدالقادر مراغی و امثالهم در این زمینه بسی گران‌بهاست، ولی پژوهش از زاویه‌ی دید تصویرگران هم بی‌فایده نیست، زیرا اطلاعاتی مضاف بر آثار آن دانشمندان می‌رساند که حتی در سواد نوعی تأیید و تأکید بصری نظریه‌ی آنهاست. البته، در زمینه‌ی تحقیق از طریق نگاره‌های موسیقی، دو موضوع را نباید هرگز از نظر دور داشت:

۱. طرح‌ها و تصاویر هنری توأم با برداشت‌های شخصی و خیالی نگارگران هستند، در نتیجه، در این آثار محدودیت‌هایی در رابطه با واقعیت وجود دارد. به‌خصوص که از لحاظ



## Shiraz-Beethoven.ir

### سیر نفوذ موسیقی غربی به ایران در عصر قاجار\*



مقدمه

نفوذ موسیقی غربی به فرهنگ موسیقایی ایران از دوره قاجار و با واسطه‌ی موسیقی نظامی شروع شد. پیش از هر بحثی، باید خاطر نشان کرد که واژه‌ی «نفوذ» در اینجا باید به معنای اصلی و اولیه‌ی آن در نظر گرفته شود و نه به معنای «تأثیر». در واقع، به نظر می‌رسد که موسیقی غربی حقیقتاً، بسیار پیش از آن که بر فرهنگ شنیداری ایرانیان یا بر ساختارهای موسیقی ایرانی تأثیر بگذارد، ابتدا، به طریقی که به هیچ‌رو صرفاً موسیقایی نبود، به فرهنگ عمومی ایرانی و تا حدودی فرهنگ موسیقایی کشور نفوذ کرد.

مقایسه‌ی این نفوذ با نفوذ اسلوب نقاشی غربی به فرهنگ ایرانی تأمل برانگیز است؛ پیش از هر چیز، از این جهت که درباره‌ی دومی به‌روشنی می‌توان واژه‌ی «نفوذ» را به معنی «تأثیر» گرفت. گذشته از آن، حتی اگر این واژه را در خصوص نقاشی نیز به همان معنای اولیه بگیریم، تفاوت‌های آشکاری میان برخورد فرهنگ ایرانی با موسیقی و نقاشی غربی، هم از نظر قدمت نفوذ و هم از نظر راه‌های نفوذ وجود دارد. نقاشی غربی از دوره‌ی صفوی راه خود را به فرهنگ ایرانی باز کرد. هرچند شروع «فرنگی‌سازی»، به طور مشخص و آشکار، اواخر قرن یازدهم

\* این مقاله قبلاً در مجله‌ی هنرهای زیبا، هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ چاپ شده است و در اینجا، با برخی اضافات مختصر، تجدید چاپ می‌شود.

## Shiraz-Beethoven.ir



### مدیریت اضطراب در زمان اجرا\*

عقب نوازندگان، بر اساس عشق به موسیقی و تمایلی که برای به اشتراک‌گذاری آن با دیگران دارند، مسیر کارشان را انتخاب می‌کنند. صرفاً، با در نظر گرفتن این مسئله، ممکن است این‌طور برداشت شود که نوازندگان از هر فرصتی جهت اجرا برای مخاطبان، با شور و اشتیاق، استقبال می‌کنند. اما متأسفانه همیشه چنین نیست. کارکردن به‌عنوان یک نوازنده‌ی صحنه‌ای، فرد را درگیر انواع مختلفی از فشارها می‌کند. غالباً بیشترین استرس زمانی احساس می‌شود که نوازنده محظوظ اجرا بر روی صحنه می‌رود. در این وضعیت، نوازنده به‌جای احساس هیجان ناشی از اشتراک‌گذاری موسیقی‌اش با مخاطب، دچار دلهره و پریشانی می‌شود. این اضطراب، که عموماً «ترس از صحنه» نامیده می‌شود، معضلی جدی و تضعیف‌کننده برای بسیاری از نوازندگان در هنگام اجراست.

متأسفانه، اضطراب اجرا ممکن است در اوایل زندگی هنری یک نوازنده پدیدار شود. اگرچه والدین و معلمان فرزندان‌شان را، از طریق تشویق‌ها و کمک‌های لازم جهت پیشرفت به‌عنوان هنرجوی موسیقی، آماده می‌کنند، از طرف دیگر ممکن است، با تأکید بیش‌ازحد بر موفقیت و پیروزی، موجب شوند تا این نوازندگان جوان احساس تحت‌فشار بودن کنند. تحقیقات نشان داده است که نوازندگان نوجوان حسی را از اضطراب اجرا تجربه می‌کنند که مشابه حس

\* Andreas C. Lehmann, John A. Sloboda, Robert Woody, "Managing Performance Anxiety", in *Psychology for Musicians: Understanding and Acquiring the Skills*, Oxford: Oxford University Press, 2007, pp. 145-162.